

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سؤال

ابعاد تحولات نظامی در یمن

(ترجمه)

سؤال:

روز جمعه، رؤسای ستادهای ارتش‌های عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در چارچوب «توافق‌نامهٔ مکه برای دفاع مشترک» در شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی گردهم آمدند تا تحولات امنیتی و تهدیدهایی را که عربستان سعودی با آن مواجه است، مورد بحث و بررسی قرار دهند. (الجزیره، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶ م)

این نشست در حالی صورت گرفت که حوثی‌ها تمام یا بخش عمده‌ای از ساحل غربی یمن را تحت کنترل خود درآوردند و بر اعضای این نشست سکوت حاکم بود و حتی عربستان سعودی و آمریکا نیز مداخله‌ای نکرد، بلکه ترامپ اظهار داشت که حوثی‌ها وعده کرده‌اند به کشتی‌های آمریکایی در دریای سرخ حمله نکنند و از همین رو، آمریکا مداخله نخواهد کرد!

واقعاً نیز چنین شد؛ زیرا حوثی‌ها از چند روز پیش به آسانی در امتداد ساحل غربی پیشروی می‌کنند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶ م اعلام شد که گروه حوثی‌ها در جریان حمله‌ای که چند روز ادامه داشت، کنترل خود را بر باب‌المندب تکمیل کرده است. این گروه توانست کنترل مناطق حیّس، الخوخه و المخا و بندر آن را به دست گیرد و تا باب‌المندب و جزیرهٔ میون پیشروی کند.

پس، این امر چگونه به این آسانی اتفاق افتاد؟ چرا عربستان سعودی و ائتلاف سه‌جانبهٔ آن مداخله نکردند؟ و چرا آمریکا مداخله نکرد، در حالی که اعلام می‌کند در برابر بازوهای ایران ایستاده است و حوثی‌ها یکی از مهم‌ترین بازوهای ایران به شمار می‌روند؟! بلکه آمریکا اعلام کرده که به‌طور مستقیم با گروه حوثی‌ها تماس برقرار کرده است. این گروه نیز در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶ م تماس خود با آمریکا را تأیید کرد. پس طرح و برنامهٔ آمریکا در رابطه با این گروه وابسته به ایران چیست؟

جواب:

برای آن‌که موضوع به‌صورت روشن و درست فهمیده شود، موارد زیر را بررسی می‌کنیم:

۱. کشمکش بین‌المللی در یمن از آغاز دههٔ شصت قرن گذشته میلادی تاکنون شدید و داغ بوده است. این کشمکش میان استعمارگر قدیمی یمن یعنی بریتانیا و استعمارگر جدید آن، یعنی آمریکا جریان داشته است. هر یک از این استعمارگران، ابزارهای منطقه‌ای و داخلی خود را دارند. نفوذ بریتانیا بر یمن از طریق دست‌نشاندها، که در رأس آنان علی صالح قرار داشت، از سال ۱۹۷۸ م تا سال ۲۰۱۱ م برقرار بود؛ سپس منصور عبدالربه هادی پس از او آمد.

پس از آن، آمریکا به دست‌نشاندهٔ خود، عربستان سعودی دستور داد که در یمن مداخله کند، در سال ۲۰۱۵ م عملیات موسوم به «عاصفهٔ حزم» (طوفان قاطعیت) و آنچه «ائتلاف حمایت از مشروعیت» نامیده می‌شد، به رهبری عربستان سعودی اعلام و ایجاد گردید؛ اما این ائتلاف در حقیقت برای حمایت از گروه حوثی‌ها بود.

ما در نشریهٔ خود به تاریخ ۲۶ مارچ ۲۰۱۵ م چنین بیان کرده بودیم: «آمریکا از طریق ایران، انواع سلاح‌ها و تجهیزات را در اختیار حوثی‌ها قرار داد تا آنان بتوانند با زور بر یمن مسلط شوند؛ زیرا آمریکا می‌دانست که بیشتر جریان سیاسی موجود، ساخته و پرداختهٔ انگلیس است. از این رو،

حوثی‌ها تصور کردند که نیروی در اختیار دارند که می‌تواند سلطهٔ آنان بر یمن را تحقق بخشد. بنابراین، رئیس‌جمهور "هادی" را در محاصره قرار دادند تا قوانین مورد نظر خود را از او بگیرند و موافقت می‌کرد، اما در اجرای آن تعلل می‌ورزید تا این‌که آنان او را تحت اقامت اجباری قرار دادند. وی از چنگ آنان به عدن گریخت، آنان نیز به تعقیب او پرداختند، اما وی بار دیگر از دست آنان رهایی یافت.»

۲. سپس امارات متحدهٔ عربی که دست‌نشاندهٔ بریتانیا است، در ائتلاف یادشده که عربستان سعودی به بهانهٔ نجات یمن ایجاد کرده بود، نفوذ کرد. امارات مناطق متعددی در جنوب یمن را از چنگ حوثی‌ها بیرون کشید و نفوذ بریتانیا و دست‌نشانندگان محلی آن را تقویت کرد.

امارات به الحدیده بندر حیاتی حوثی‌ها رسید و نزدیک بود آن را تحت کنترل خود درآورد. هدفش این بود که پس از آن به سوی صنعا حرکت کند. اما آمریکا با بهانه‌های بشردوستانه، افکار عمومی جهان را علیه این اقدام برانگیخت و نشست سویدن را برگزار کرد. این نشست به برقراری آتش‌بس در شهر حدیده و خروج نیروهای امارات و ملیشه‌های آن به رهبری طارق صالح انجامید و امنیت شهر هم‌چنان در دست حوثی‌ها باقی ماند.

ما در جواب به سؤالی که در تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸ م منتشر کردیم، چنین گفته بودیم: «بریتانیا می‌داندست که آنچه ستون فقرات حوثی‌ها را استوار نگه می‌دارد، حمایت ایران است. پس از بسته‌شدن میدان هوایی صنعا و تحت کنترل درآمدن بنادر جنوب، بندر حدیده تقریباً به تنها شریان ایران برای رساندن حمایتش به حوثی‌ها تبدیل شده بود. از همین رو، امارات به سوی حدیده حرکت کرد تا آن را تحت کنترل خود درآورد. اما حرکت‌ها و نبردهای مربوط به حدیده با مخالفت شدید آمریکا تحت عنوان‌های بشردوستانه مواجه می‌شد؛ با این استدلال که بندر حدیده به میلیون‌ها یمنی کمک‌رسانی می‌کند؛ گوی آمریکا برای امور بشردوستانه‌ای اهمیت قائل است که خود آمریکا و دست‌نشاندگانش در سوریه، با محاصرهٔ خفه‌کنندهٔ شهرها و استفاده از بشکه‌های انفجاری، زیر پای سازمان ملل متحد لگدمال کرده بودند... اما آمریکا می‌خواست بهانه‌هایی ایجاد کند تا بندر حدیده برای دریافت حمایت نظامی ایران هم‌چنان باز بماند.»

۳. در سال ۲۰۲۲ م در عربستان سعودی از تشکیل شورای رهبری ریاست‌جمهوری یمن به ریاست رشاد العلیعی به جای رئیس‌جمهور هادی، در تاریخ ۷ اپریل ۲۰۲۲ م اعلام شد؛ جایی که هادی تمامی صلاحیت‌های خود را به این شورا واگذار کرد.

پیش از آن، در تاریخ ۲ اپریل ۲۰۲۲ م طرف‌های درگیر با برقراری یک آتش‌بس دوماهه در یمن موافقت کرده بودند که قابل تمدید بود و از همان تاریخ وارد مرحلهٔ اجرا شد. سازمان ملل متحد و آمریکا از این آتش‌بس ناگهانی استقبال کردند و خواستار تمدید آن شدند.

با وجود این‌که بیشتر اعضای شورا از افراد وابستهٔ پیشین به بریتانیا بودند، آمریکا از طریق عربستان سعودی توانست رئیس شورا العلیعی را به سوی خود جلب کند؛ با آن‌که او از پیروان انگلیس بود و از زمان رئیس‌جمهور پیشین یمن، علی عبدالله صالح، در مناصب سیاسی مهمی ایفای وظیفه کرده بود. اما اقامت او در عربستان سعودی و وابستگی گستردهٔ وی به کمک‌هایی که عربستان در زمینهٔ حمایت مالی و امنیتی فراهم می‌کرد، همهٔ این عوامل باعث شد عربستان راه نفوذ قوی بر او پیدا کند؛ نفوذی که در دورهٔ اخیر افزایش یافته است. اما بیشتر اعضای دیگر شورا از پیروان امارات، یعنی انگلیس، بودند.

از این رو، ما در پاسخ به سؤالی به تاریخ ۲۰ اپریل ۲۰۲۲ م گفتیم: «قابل توجه است که همهٔ اعضای شورای رهبری ریاست‌جمهوری، از افراد مورد حمایت امارات و از گروه وابسته به خود رئیس‌جمهور هادی هستند؛ بنابراین، دیدگاه مؤثر و تعیین‌کننده در شورا تابع بریتانیا خواهد بود.»

بدین ترتیب، آتش‌بس، این تصمیم و تشکیل شورا، همه با توافق آمریکا و بریتانیا صورت گرفت و دست‌نشانندگان و کسانی که در مدار این دو قدرت قرار داشتند نیز تابع همین توافق بودند.

در هر صورت، این توافق همیشگی نیست؛ بلکه تنها تا زمانی ادامه دارد که شرایطی که موجب این توافق شده است، تغییر کند!

۴. موضوع همان طوری که تحلیل نموده بودیم مصداق پیدا نمود، در پایان سال ۲۰۲۵ م نیروهای شورای انتقالی جنوب یمن به رهبری عیدروس الزبیدی، که مورد حمایت امارات بود و خود نیز عضو شورای ریاست جمهوری بود، اقدام به استقرار نیروهای خود در حضرموت و المهره کردند و اوضاع بسیار پیچیده شد.

ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در یمن در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵ م اعلام کرد که یک عملیات نظامی محدود را اجرا کرده است که در آن سلاح‌ها و وسایط جنگی‌ای را هدف قرار داده که از امارات به بندر مکلا در ولایت حضرموت رسیده بود. سپس تهدیدها ادامه یافت تا این که امارات «تسلیم» شد و اعلام کرد که نیروهای خود را از یمن خارج می‌کند.

عربستان سعودی هم چنان به تهدید و هشدار دادن به پیروان امارات در یمن، یعنی شورای انتقالی به رهبری عیدروس الزبیدی، برای خروج از حضرموت و المهره ادامه داد؛ در نتیجه، نیروهای شورای انتقالی جنوب یمن شروع به عقب‌نشینی کردند. سپس الزبیدی در تاریخ ۸ جنوری ۲۰۲۶ م از طریق سرزمین سومالی‌لند به ابوظبی گریخت!

۵. به نظر می‌رسد آنچه اخیراً در ساحل غربی یمن رخ داده است، یعنی آنچه در روزهای ۳ و ۱۱ سپتامبر سال جاری اتفاق افتاد و طی آن حوثی‌ها کنترل خئیس، الخوخه، المخا و بندر آن جزیره میون و سایر جزایر یمنی در جنوب دریای سرخ را تا رسیدن به باب‌المندب به دست گرفتند، شبیه همان چیزی است که در سال ۲۰۱۸ م در مورد بیرون راندن امارات و پیروان محلی آن از حدیده رخ داد.

هم چنین این وضعیت شبیه آن چیزی است که در پایان سال ۲۰۲۵ م و آغاز سال ۲۰۲۶ م در مورد بیرون راندن امارات و پیروانش از حضرموت و المهره اتفاق افتاد. می‌گویم این رویداد شبیه آن موارد است؛ زیرا امریکا در عملیات حوثی‌ها می‌خواست با ضربه زدن به نفوذ بریتانیا در یمن، به دست‌نشانندگان آن در ساحل غربی ضربه وارد کند.

در آنجا نیروهایی که «مقاومت ملی با هسته گارد جمهوری» نامیده می‌شدند و تحت فرماندهی طارق صالح قرار داشتند، از سوی امارات حمایت می‌شدند و به دستور ارباب خود، بریتانیا مورد حفاظت قرار می‌گرفتند. سرانجام این روند با سقوط المخا و اردوگاه خالد در ساحل دریای سرخ و تکمیل کنترل گروه حوثی بر تمام سواحل آن به پایان رسید.

سقوط المخا در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶ م ضربه شدیدی به فرمانده این مقاومت طارق صالح وارد کرد؛ او از دست‌نشانندگان انگلیس، برادرزاده رئیس‌جمهور پیشین علی صالح که خود از دست‌نشانندگان بریتانیا بود و مورد حمایت امارات است. این اقدام، گام دیگری در راستای تصفیه دست‌نشانندگان بریتانیا بود؛ آن هم پس از آن که دست‌نشانده دیگر آن، عیدروس الزبیدی، شکست خورد و مجبور شد به امارات فرار کند.

با دقت در این اقدام، احتمال می‌رود که عربستان سعودی توانسته باشد افراد وابسته به خود را وارد گارد جمهوری کند؛ از این رو، آنان به دستور عربستان سعودی از مواضع خود در مناطق تحت کنترل‌شان در ساحل غربی عقب‌نشینی کردند.

این امر نیروهای وابسته به انگلیس در گارد جمهوری، به فرماندهی طارق صالح را دچار سردرگمی کرد و او را واداشت تا به نیروهایش دستور دهد پس از آنچه در پیام‌های صوتی منتشرشده در صفحات اینترنتی نیز بازتاب یافته، از تمام مواضع خود در شهر عقب‌نشینی کنند. او این وضعیت را «خیانت‌های داخلی» توصیف کرد که منظورش جناح‌های وابسته به عربستان سعودی در گارد بود؛ و هم چنین آن را «خوارکردن و رها کردن از سوی برادران» توصیف کرد که منظورش خود عربستان سعودی بود؛ کشوری که برای حمایت از او و مقابله با تحرکات حوثی‌ها هیچ اقدامی نکرد.

پس از همه این رویدادها، حوثی‌ها بدون هیچ مقاومتی وارد این مناطق شدند؛ همان‌گونه که پیش از این نیز بدون مقاومت وارد صنعا شده بودند!

۶. آنچه این موضوع را تأیید می‌کند این است که عربستان سعودی اقدام به حرکت نمودن ائتلاف سه‌جانبه مشترک نکرد و از شرکای خود در این ائتلاف، یعنی پاکستان و ترکیه نخواست که مداخله کنند. این امر نشان می‌دهد که عربستان سعودی در این قضیه همدست است و نمی‌خواهد

اقدام جدی‌ای علیه حوثی‌ها انجام دهد. زیرا امریکا، که در پشت تأسیس این ائتلاف قرار داشت، از فعال‌سازی آن و مداخله علیه حوثی‌ها، با وجود این‌که آنان مناطقی را در عربستان سعودی هدف قرار می‌دهند، درخواست نکرده است!

ترکیه و پاکستان نیز تنها به محکومیت‌ها و اظهارات غیرجدی مبنی بر آمادگی برای کمک اکتفا کردند. حتی محمد بن سلمان به آنان مراجعه نکرد و هیچ درخواستی نیز از آنان به عمل نیاورد؛ بلکه منتظر ماند تا تمام یا بخش عمدهٔ ساحل غربی یمن به دست حوثی‌ها افتاد و سپس «ائتلاف مکه» را به نشستی برای بررسی کمک به عربستان سعودی در برابر حملات حوثی‌ها فراخواند.

«رؤسای ستادهای نیروهای مسلح عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان روز جمعه در ریاض، پایتخت عربستان سعودی در چارچوب توافق‌نامهٔ مکه برای دفاع مشترک، به‌منظور بررسی تحولات امنیتی و تهدیدهایی که عربستان سعودی با آن مواجه است، نشست برگزار کردند. وزارت دفاع عربستان سعودی اعلام کرد که این نشست دربارهٔ تقویت همکاری‌های استخباراتی و نظامی و هماهنگ‌سازی توانایی‌ها، به‌گونه‌ای که به تقویت بازدارندگی و دفاع جمعی کمک کند، بحث کرد. به گفتهٔ این وزارت، رؤسای ستادهای ارتش وضعیت امنیتی را بررسی کردند و حملاتی را که مکه مکرمه و زیربناهای ملکی در عربستان سعودی را هدف قرار داده بود، محکوم کردند. طرف‌های توافق‌نامه نیز بر تعهد نیرومند خود به دفاع جمعی تأکید کردند؛ امری که عزم سه کشور برای دفاع از امنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی عربستان سعودی را نشان می‌دهد.» (الجزیره، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶م)

یعنی این نشست پس از آن برگزار شد که حوثی‌ها کنترل خود را بر ساحل غربی یمن تثبیت کرده بودند!

۷. افزون بر این، امریکا مداخله نکرد و حوثی‌ها را مورد حمله قرار نداد، در حالی که بارها اعلام کرده است که بازوهای ایران را هدف قرار می‌دهد. هم‌چنین از عربستان سعودی نخواست که حوثی‌ها را هدف قرار دهد و از آن کشور نخواست ائتلاف سه‌جانبه را فعال کند؛ با آن‌که امریکا در برابر دیگر بازوهای ایران، در سوریه، عراق و لبنان اقدامات شدیدتری اتخاذ کرده است.

با وجود این‌که حوثی‌ها یکی از بازوهای نیرومند ایران در یمن هستند، امریکا و عربستان سعودی اقدام قاطعی علیه آنان انجام ندادند و برای جلوگیری از تسلط حوثی‌ها بر ساحل غربی یمن اقدامی نکردند! همدستی آن دو در این قضیه برای هر کسی که چشم بینا داشته باشد، آشکار است.

خبرگزاری رویترز در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶م به نقل از سه منبع گزارش داد: «...ترامپ رئیس‌جمهور امریکا با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی تماس تلفنی برقرار کرد و او را "دوست خوب من" توصیف نمود و گفت: "فقط می‌توانم بگویم که همه چیز خوب خواهد شد و به بهترین حالت خواهد بود.»

این بدان معناست که ترامپ در پشت این همدستی قرار دارد؛ زیرا گفته است که «همه چیز خوب خواهد شد و به بهترین حالت خواهد بود» یعنی همه چیز مطابق خواست امریکا پیش خواهد رفت و نتیجه به نفع آن خواهد بود!

موضوع دیگری که این امر را تأیید می‌کند، سفر مارکو روبریو وزیر امور خارجهٔ امریکا، به عربستان سعودی و دیدار او با حاکم سعودی محمد بن سلمان، هم‌زمان با پیشروی حوثی‌ها در ساحل غربی است. روبریو در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۲۶م گفت: «امریکا روابط دفاعی و نظامی بسیار نیرومندی با عربستان سعودی دارد و ما این رویدادها را از نزدیک زیر نظر داریم.» لذا این مقام امریکایی اعلام می‌کند که امریکا رویدادها را از نزدیک زیر نظر دارد؛ یعنی امریکا از تمام آنچه در حال وقوع است، آگاهی دارد!

۸. این موضوع هم‌چنین با این امر تأیید می‌شود که امریکا درخواست دولت یمن برای مداخلهٔ نظامی را رد کرده است.

خبرگزاری رویترز در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ م به نقل از یک منبع یمنی و یک منبع غربی گزارش داد: «رشاد العلیعی، رئیس شورای رهبری یمن روز گذشته در یک تماس تلفنی از ترامپ درخواست کمک نظامی آمریکا کرد. منابع گفتند که ترامپ در جریان این تماس، هیچ تعهد مستقیمی برای ارائه حمایت نظامی نداد.»

همچنین ترامپ چنین اظهار داشت: «حوثی‌ها با ما تماس گرفته‌اند و آنان نمی‌خواهند با ما بجنگند؛ آنان بسیار ترجیح می‌دهند که ما مداخله نکنیم و به بیشتر کشتی‌ها اجازه عبور می‌دهند...» (العربی الجديد ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶ م)

خبرگزاری رویترز در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶ م به نقل از پنج منبع گزارش داد: «مقام‌های آمریکایی در جریان تعطیلات آخر هفته، نشست محرمانه‌ای را با نمایندگان گروه حوثی یمن در داخل سفارت آمریکا در مسقط برگزار کردند. در این مذاکرات، شماری از مقام‌های ارشد حوثی از جمله سخنگوی این گروه محمد عبدالسلام که تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد و عبدالملک العجری، شرکت داشتند.» این منابع گفتند: «نمایندگان حوثی‌ها در جریان این دیدار تعهد کردند که به توافق آتش‌بس منعقدشده با واشنگتن در سال ۲۰۲۵ م پایبند بمانند و کشتی‌های آمریکایی یا اسرائیلی را هدف قرار ندهند؛ اما حق حمله به کشتی‌های دشمن را برای خود محفوظ دانستند.»

همچنین محمد البخیعی، عضو دفتر سیاسی گروه حوثی‌ها، در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶ م در مصاحبه‌ای از طریق برنامه زوم با خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس از صنعا، اعتراف کرد: «میان گروه او و آمریکا از طریق سلطنت عمان تماس‌های غیرمستقیم صورت گرفته است و این گروه به دولت ترامپ اطلاع داده که قصد ندارد آمریکا یا کشتی‌های آن را در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب هدف قرار دهد و عملیات کنونی آن علیه عربستان سعودی است. همچنین واشنگتن در جریان پیشروی نیروهای این گروه در ساحل غربی یمن و رسیدن آنان به مناطق مشرف بر تنگه باب‌المندب، با این گروه تماس برقرار کرده است.»

بنابراین، همه این موارد نشان می‌دهد که آنچه اتفاق افتاده، از برنامه‌ریزی آمریکا بوده و گروه حوثی‌ها نیز با آگاهی از این طرح، در چارچوب آن حرکت کرده است!

۹. با تأمل در آنچه از حملات حوثی‌ها در ساحل غربی یمن رخ داده و همچنان جریان دارد و با توجه به این‌که حوثی‌ها نزدیک است تمام ساحل را تحت کنترل خود درآورند، با وجود این، آمریکا برای کمک به حکومت یمن در عدن هیچ اقدامی نمی‌کند و عربستان سعودی نیز حرکتی انجام نمی‌دهد؛ با آن‌که حملات حوثی‌ها عربستان سعودی را نیز هدف قرار داده است.

افزون بر این، دیدارهای نمایندگان حوثی‌ها با آمریکایی‌ها در مسقط پایتخت عمان و اظهاراتی که پیش‌تر به آن اشاره شد مبنی بر عدم مداخله آمریکا در پاسخ به حملات حوثی‌ها در ساحل غربی با وجود درخواست حکومت عدن، همه این موارد نشان می‌دهد که تصرف بخش عمده ساحل غربی یمن توسط حوثی‌ها با موافقت آمریکا و عربستان سعودی صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد این اقدام از سه هدف زیر خارج نباشد:

اول) شریک ساختن حوثی‌ها در حکومت یمن و دادن نقش اساسی به آنان در اداره یمن و در نتیجه، کنار زدن تدریجی دست‌نشانندگان انگلیس در یمن از حکومت؛ به‌ویژه این‌که پیروان انگلیس در یمن به‌طور کامل از میان برداشته نشده‌اند و شماری از آنان در شورای ریاست‌جمهوری و اطراف آن حضور دارند.

دوم) این اقدام وسیله‌ای برای ترغیب حکومت ایران و زمینه‌سازی برای نرم‌تر شدن موضع آن در برابر آمریکا باشد؛ چنان‌که در دیدارها و مذاکرات آمریکا و ایران در نیویارک مشاهده شد. همچنین طرح ایران که رئیس‌جمهور ایران و وزارت امور خارجه این کشور ارائه کردند، با این تصور مطرح شد که انتظار داشتند ترامپ با آن موافقت کند تا ایران دوباره در مدار آمریکا قرار گیرد؛ اما ترامپ با برخورد متکبرانه خود آن را رد کرد، زیرا هنوز اصرار دارد که ایران صرفاً یک حکومت دست‌نشانده و تابع باشد.

سوم) این اقدام از باب استراحت طرف جنگ است؛ زیرا امریکا حدود یک ماه دیگر با انتخابات میان دوره ای روبه رو می شود و روند انتخاباتی ایجاب می کند که اوضاع، به ویژه درگیری های نظامی تا پایان انتخابات آرام نگه داشته شود.

به نظر می رسد این سه هدف، چه به صورت جداگانه و چه در مجموع، عامل عدم واکنش مؤثر امریکا و عربستان سعودی در برابر تسلط حوثی ها بر ساحل غربی یمن بوده است؛ در نتیجه، حوثی ها توانستند به آسانی و بدون دشواری بر ساحل غربی یمن مسلط شوند!

۱۰. بدین ترتیب، می بینیم که کشمکش انگلیس و امریکا در یمن هم چنان شدید است، اما این کشمکش از طریق ابزارهای منطقه ای و داخلی آنان صورت می گیرد، مردم یمن در این کشمکش نقش هیزم را دارند و ده ها سال است که از پیامدهای سنگین آن رنج می برند.

این ابزارها به مردم به اندازه ای که به منافع شخصی خود اهمیت می دهند، اهمیت نمی دهند. از این رو، نجات یمن جز با رهایی از این ابزارها امکان پذیر نیست؛ ابزارهایی که به دولت های استعماری درگیر اجازه می دهند به حضور خود و گسترش نفوذشان ادامه دهند. این امر جز با برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت تحقق نمی یابد؛ خلافتی که الله سبحانه و تعالی وعده آن را داده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین سازد. و رسول الله ﷺ نیز به آن بشارت داده است:

«ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَى مَنَاجِ التُّبُوءَةِ» (أخرجه أحمد والطبرانی والبخاري)

ترجمه: سپس خلافتی بر منهج نبوت خواهد بود.

از این رو، ما مردم یمن را کسانی که رسول الله ﷺ آنان را با این سخن ستوده است:

«الْإِيمَانُ يَمَانٍ هَا هُنَا» (أخرجه البخاري)

ترجمه: ایمان یمانی است، این جا.

و نیز با این سخن:

«الْفِقْهُ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَّةٌ» (أخرجه البخاري ومسلم)

ترجمه: فقه یمانی است و حکمت یمانی.

دعوت می کنیم که در حزب التحریر به ما یاری رسانند تا همگی برای تحقق وعده الله سبحانه و تعالی آن توانای شکست ناپذیر و بشارت رسول او ﷺ تلاش کنیم و در هر دو سرا رستگار شویم؛ و این همان کامیابی بزرگ است.

15 ربیع الآخر ۱۴۴۸ ه.ق.

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶ م.

مترجم: مصطفی اسلام